

بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر ترجیحات فرزندآوری جوانان در شهر تهران

رسول صادقی*، راضیه طریقتی تابش**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳)

چکیده

هدف از مقاله پیش‌رو بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر ترجیحات فرزندآوری جوانان می‌باشد. داده‌ها با استفاده از پیمایش مقطعی و به شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای در میان ۷۲۰ جوان دارای همسر ۱۵ تا ۳۰ سال در مناطق مختلف شهر تهران گردآوری شد. بر اساس نتایج، متوسط اندازه ایده‌آل و دلخواه خانواده از نظر پاسخگویان به ترتیب ۲،۱۹ و ۲،۱۵ بدست آمد. ۱۹ درصد جوانان مورد بررسی یک فرزند، ۵۴ درصد دو فرزند و ۲۵ درصد سه فرزند و بیشتر را تعداد ایده‌آل فرزند برای جامعه ایران دانسته‌اند. ارقام متناظر برای تعداد دلخواه فرزند برای خود افراد، به ترتیب، ۱۸، ۵۷ و ۲۴ درصد بوده است. همچنین نتایج نشان داد اکثر جوانان مورد بررسی جهت‌گیری ارزشی-فرهنگی میانه‌رو داشته، و حدود ۲۰ درصد جهت‌گیری مدرن (فردگرا، برابرگرا جنسیتی و سکولار) داشته‌اند. نتایج تحلیل دو متغیره نشان داد افراد فردگرا، سکولار و با نگرش جنسیتی برابرگرا، باروری ایده‌آل و دلخواه پایین‌تری در مقایسه با افراد جمع‌گرا، مذهبی و با نگرش نابرابرگرا جنسیتی دارند. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد با کنترل متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای، عوامل فرهنگی نظیر فردگرایی، برابرگرایی جنسیتی و عرفی شدن تأثیر منفی و معنی‌داری بر ترجیحات فرزندآوری دارند. از این‌رو، تغییرات در نظام فرهنگی جامعه بر ترجیحات فرزندآوری جوانان تأثیر داشته و انتظار می‌رود با گسترش و افزایش سبک‌ها و هنجارهای فرهنگی مدرن، میزان‌های باروری در کشور کاهش یابد.

کلیدواژه‌ها: عوامل فرهنگی، فردگرایی، برابرگرایی جنسیتی، عرفی شدن، ترجیحات فرزندآوری.

مقدمه

جوامع مختلف تحت تأثیر فرآیند نوسازی دستخوش تحولات عمده‌ای در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شده‌اند (عنایت و همکاران، ۱۳۹۰). به دنبال تحولات بنیادین اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دگرگونی‌های قابل توجهی در ساختار خانواده رخ داده است (نجفی اصل و قاضی طباطبایی، ۱۳۹۱). کشور ایران نیز طی چند دهه اخیر با تغییرات فرهنگی و اجتماعی زیادی در حوزه خانواده مواجه بوده است. روند کلی تغییرات خانواده در ایران به لحاظ شکل به سوی خانواده هسته‌ای، به لحاظ همسرگزینی به سوی گسترش دایره اختیار دختران و پسران در انتخاب همسر، به لحاظ دوام ازدواج به سوی آسیب‌پذیری بیشتر و به لحاظ بچه‌آوری به سوی تقلیل سطح بچه‌آوری بوده است (سرای، ۱۳۸۵). کاهش باروری در ایران طی دو دهه از ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ بسیار چشمگیر بوده است. در این فاصله زمانی میزان باروری کل از ۷ فرزند به ۲ فرزند کاهش یافت (عباسی‌شوازی و همکاران، ۲۰۰۹). برخی از شهرها از جمله شهر تهران باروری خیلی پایین در حدود ۱/۲ فرزند به ازای هر زن را تجربه می‌کند (عباسی‌شوازی و حسینی‌چاووشی، ۱۳۹۲).

از اینرو، باروری در طول چند دهه گذشته به طور چشمگیری کاهش یافته و امروزه به یکی از مسائل و چالش‌های جمعیتی کشور تبدیل شده است. در تلاش برای درک عوامل تعیین‌کننده این تغییرات باروری مطالعات مختلفی انجام گرفته است. در تبیین کاهش باروری در ایران بیشتر از رویکرد نهادی - ساختاری استفاده شده است و در آن بر نقش و تأثیر سیاست‌های جمعیتی، فرآیندهای نوسازی، شهرنشینی، ناامنی اقتصادی، تحصیلات، اشتغال و استقلال زنان تأکید شده است (پایدارفر و معینی ۱۹۹۵؛ عباسی‌شوازی ۲۰۰۱؛ عباسی‌شوازی و عسکری ندوشن ۱۳۸۴؛ عباسی‌شوازی و علی‌مندگاری ۱۳۸۹؛ عباسی‌شوازی و خواجه‌صالحی ۱۳۹۲؛ عباسی‌شوازی و خانی ۱۳۹۳) و کمتر در چارچوب رویکرد فرهنگی تبیین شده است (شاه‌آبادی و همکاران ۱۳۹۲؛ رستگارخالد و محمدی ۱۳۹۴؛ مدیری و رازقی ۱۳۹۴؛ صادقی ۱۳۹۵؛ مدیری ۱۳۹۶).

فرهنگ، قواعد هنجاری و تفسیری یا معنادهی را فراهم می‌کند. مسلماً آنچه شکل‌دهنده پایه‌های نظام رفتاری افراد و یا به تعبیری تعیین‌کننده حدود رفتار و افعال افراد است، همان فرهنگ و ارزش‌ها است. ارزش‌ها و نیز نگرش‌ها در شکل‌گیری کنش‌های فردی و اجتماعی

اهمیت فزاینده‌ای دارند (عظیمی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۴). رابطه افراد با واقعیت‌های پیرامونی در ارزش‌های آن‌ها منعکس شده است. ارزش‌ها از طریق نگرش‌ها بیان می‌گردد، مدل‌های رفتاری را فراهم می‌کند و از طریق تجارب زندگی توسعه می‌یابد (میتنن و پایین، ۲۰۰۳). نقش فرهنگ در تغییرات باروری بویژه در ویژگی انتقال ارزش‌ها و اطلاعات در یک گروه فرهنگی مشخص شده است. اما جدا از این ویژگی ارتباطی، فرهنگ، قوانین هنجاری و تفسیری و یا معنی دادن به عوامل بلافصل و نهایی باروری در نظر مردم را فراهم می‌کند. ارتباط بین فرهنگ به عنوان یک سیستم اندیشه‌ای یا معانی و سازمان اجتماعی در جهت مشترک برای تعریف روابط اجتماعی و ارزیابی رفتار فردی فراهم می‌کند، قرار دارد. شیوه‌های تولید، مناسبات بین‌نسلی و جنسیتی، سیستم‌های ازدواج و غیره در فرهنگ منعکس است (دی-بروجین ۲۰۰۶). همل^۱ (۱۹۹۰) معتقد است فرهنگ می‌تواند تبیین کند چرا افراد با جوامعی که به ظاهر از نظر اقتصادی در شرایط یکسانی به سر می‌برند، ولی از نظر آداب و رسوم و زبان متفاوت هستند، در زمینه‌های جمعیتی متفاوت عمل می‌کنند. فرهنگ می‌تواند توضیح دهد چرا یک منطقه در طول زمان از نظر جمعیتی، یکسان عمل می‌کند، هرچند شرایط اقتصادی آنان تغییر می‌یابد. کاربرد فرهنگ، به عنوان مبانی تحلیل می‌تواند زمینه‌های تبیین را به سطح بالاتری ارتقاء دهد.

اینرو، فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای باروری دارند (لریمر، ۱۹۵۴). از فرهنگ، زمینه و بستر اتخاذ تصمیمات عقلانی کنشگران در مورد رفتار باروری می‌داند (کارتر، ۱۹۹۸). کاهش میزان‌های باروری می‌تواند نشان‌دهنده تغییر نگرش و ارزش‌های مرتبط با فرزند و در مقابل معرف ارتقاء سایر ارزش‌های فردی و تقویت خواسته‌ها در بین افراد باشد (چیل، ۱۳۸۸: ۱۳۱). از اینرو، ترجیحات باروری ممکن است بازتاب تغییرات فرهنگی زمینه‌ساز آن باشد تا تغییرات اقتصادی (ون‌پیر، ۲۰۰۰). با این وجود، همانطور که همل (۱۹۹۰) و گرین‌هال^۲ (۱۹۹۴) بیان می‌کنند جمعیت‌شناسی متهم به استفاده ناکافی و قابل توجه از مفهوم فرهنگ در تبیین رفتارهای باروری می‌باشد. آثار و تبعات تغییرات فرهنگی در رفتارهای جوانان، که موتور تغییرات اجتماعی هستند،

1- Hammel

2- Greenhalgh

اهمیت زیادی دارد. دوره جوانی بیانگر دوره‌ای از انتقال‌های چندگانه است که بیانگر فشردگی و تراکم وقایع جمعیت‌شناختی و گذارهای اجتماعی در دوره جوانی است. دوره جوانی را «دوره فشردگی وقایع جمعیتی»^۱ قلمداد کرده‌اند (ریندفسوس ۱۹۹۱؛ صادقی و همکاران ۱۳۹۴). بدین معنی که بیشتر وقایع و رفتارهای جمعیتی در طول سال‌های دوره جوانی یعنی ۱۵ تا ۳۰ سال رخ می‌دهد. یکی از این وقایع، فرزندآوری است. بدین ترتیب، این مقاله با تأکید بر بُعد شناختی فرهنگ (ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌ها) به بررسی اثرگذاری عوامل فرهنگی بر ترجیحات فرزندآوری جوانان متأهل ۳۰ - ۱۵ ساله در شهر تهران می‌پردازد. در این راستا، این سؤال مطرح می‌شود که عوامل ارزشی - فرهنگی (نظیر فردگرایی، سکولاریسم، برابرگرایی جنسیتی) چه تأثیراتی بر ترجیحات فرزندآوری جوانان دارند؟

چارچوب نظری

برای رسیدن به درک درست و دقیق از پدیده‌ها و فرایندهای جمعیتی، نیاز به نظریه‌ها، چارچوب‌های مفهومی یا مدل‌هایی که بیان‌کننده مکانیسم اصولی در روابط بین متغیرهای مربوطه است، داریم.

تغییرات در باروری دلخواه و ایده‌ال نقش اساسی در اغلب نظریه‌های کاهش باروری دارد (لسته‌هاک و سوروکین ۱۹۸۸؛ ون‌دی‌کا ۲۰۰۲ و ۲۰۰۱؛ تستا ۲۰۱۲). یکی از رویکردهای مهم تبیین باروری، رویکرد فرهنگی است که در تقابل با رویکرد ساختاری مطرح شد. رویکرد ساختاری، به‌تنهایی به‌طور ناکافی کاهش‌های باروری را تبیین می‌کرد. از اینرو، رویکرد فرهنگی به‌ویژه در بسترهای با باروری خیلی پایین مورد توجه قرار گرفت. رویکرد فرهنگی باروری بر نقش ارزش‌ها، نگرش‌ها و نظام‌های هویتی در شکل‌گیری رفتارهای باروری و اندازه ایده‌ال خانواده تأکید دارند. این رویکرد تلاش می‌کند تأثیر و نفوذ زمینه اجتماعی و فرهنگی رفتار باروری را در نظر بگیرد و بر عواملی که در ایجاد و تغییر این ارزش‌ها و نظام‌های هویتی مهم‌اند، تأکید کند (لریمر ۱۹۵۴؛ همل ۱۹۹۰؛ کارتر ۱۹۹۸؛ کاسترلین ۲۰۰۱؛

1- Demographically dense

بچراچ (۲۰۱۴). لریمر^۱ (۱۹۵۴) زمینه‌ها و ارزش‌های فرهنگی را محرک رفتار باروری می‌داند. کارتر^۲ (۱۹۹۸) نیز فرهنگ را زمینه و چارچوب اتخاذ تصمیمات عقلانی کنش‌گر در ارتباط با باروری می‌داند. هممل^۳ (۱۹۹۰) در «نظریه فرهنگ برای جمعیت‌شناسی» می‌گوید: فرهنگ می‌تواند تبیین کند چرا افراد یا جوامعی مشابه از نظر اقتصادی، اما متفاوت در آداب و رسوم و زبان در رفتارهای جمعیتی، متفاوت عمل می‌کنند. به کارگیری فرهنگ، به عنوان مبانی تحلیل، می‌تواند زمینه‌های تبیین را به سطحی بالاتر ارتقاء دهد.

در نظریه‌های باروری، فرهنگ عمدتاً در دو نظریه اشاعه و نظریه گذار دوم جمعیتی^۴ مورد توجه بوده است. البته در این مقاله، از نظریه گذار دوم جمعیتی به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. بسیاری از جمعیت‌شناسان در مورد تغییرات فرهنگی بر اساس اشاعه باورها شروع به تفکر کردند، برای مثال، کالدول^۵ (۱۹۷۶) هسته‌ای شدن خانواده‌های نیجریه را به واردات فرهنگ متفاوت از غرب نسبت داد. نظریه اشاعه در جمعیت‌شناسی در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ توسط کله‌لند و ویلسون^۶ مطرح شد. ظهور نظریه اشاعه به دلیل ناکامی تئوری‌های اقتصادی در تبیین گذار باروری بود. تئوری اشاعه - نوآوری از گسترش تکنولوژی‌های جدید رفتار در جامعه بحث می‌کند (لوکاس و میر، ۱۳۸۷: ۳۷). اساس نظریه اشاعه این است که تنظیم خانواده و کنترل موالید نوعی نوآوری است که از فردی به فرد دیگر، از گروهی به گروه دیگر و از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر گسترش می‌یابد (وندی‌کا، ۱۹۹۷). براساس این نظریه، اشاعه ایده‌ها و هنجارهای جدید و اطلاعات در مورد کنترل باروری سبب شد که باروری در کشورهای درحال توسعه کاهش یابد (میسون، ۱۹۹۷). در این رویکرد استدلال می‌شود که عوامل فرهنگی و نه ساختاری نحوه نگرش افراد را به فرزندان و فرزندآوری تغییر می‌دهد. طرفداران این دیدگاه استدلال می‌کنند که کاهش باروری ناشی از اشاعه‌ی ایده‌های جدید و آگاهی از تنظیمات باروری می‌باشد نه تغییرات در عوامل اقتصادی اجتماعی یا نهادهای اجتماعی (عباسی‌شوازی و همکاران، ۲۰۰۹).

1- Frank Lorimer

2- A. Carter

3- Hammel

4- Second Demographic Transition

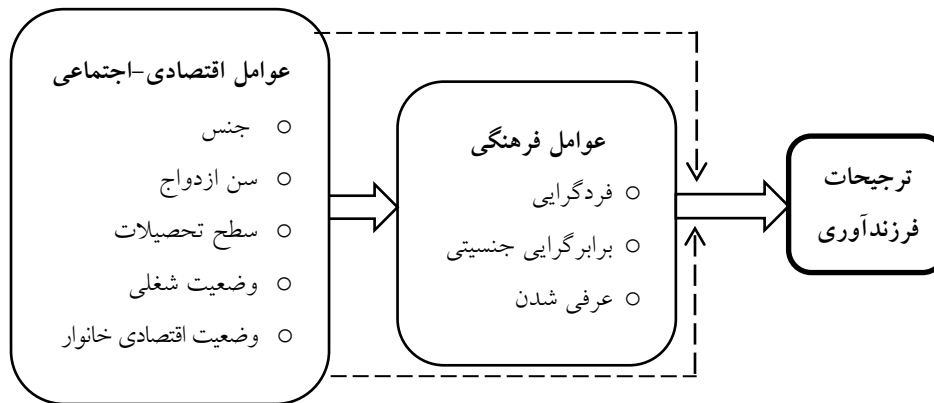
5- Caldwell

6- Cleland and Wilson

نظریه گذار دوم جمعیتی، مهم‌ترین تبیین‌کننده ترجیحات باروری در چارچوب تغییرات فرهنگی است. براساس این نظریه، تغییرات در نظام ارزشی و فرهنگی در تغییرات باروری مؤثر است. نظریه گذار دوم جمعیتی تداوم باروری زیرجانشینی را ناشی از تغییرات و تنوع الگوهای خانواده می‌داند که آن نیز خود متأثر از تحولات اساسی ارزشی و فرهنگی است. لستهاق و سورکین^۱ (۱۹۸۸) تغییرات جدید در رفتارهای جمعیتی خانواده را به گسترش مدل-های فرهنگی فرامادیگرایی و تسلط ارزش‌های فردگرایی و عرفی شدن نسبت دادند. همچنین، این نظریه تغییر در ترجیحات و رفتارهای باروری را به رشد ارزش‌های فردی، خودتحقق-بخشی، رضایت‌مندی از ترجیحات شخصی، آزادی‌خواهی و رهایی از نیروهای سنتی قدرت به ویژه دین و مذهب منتسب می‌کند (لستهاق و مورس ۱۹۹۶؛ ون‌دکا ۱۹۹۷). از اینرو، این نظریه دلیل تغییر باروری به زیرسطح جانشینی را تغییر ارزش‌ها و ایدئولوژی در جهت توسعه فردی و یا خودتحقق‌بخشی و اهمیت آزادی‌های اجتماعی و فردی، و هنجارهای پست مدرن می‌داند (ون‌دکا ۱۹۹۷؛ زیدی و مورگان ۲۰۱۷). بطور کلی، این نظریه تغییرات جمعیتی در حوزه ازدواج و باروری را به تغییرات فرهنگی نظیر افزایش فردگرایی، فمینیسم، عرفی‌شدن و فرامادی‌گرایی مرتبط می‌کند.

بنابراین، برای تبیین تغییرات و نوسانات فردی در ترجیحات باروری از چارچوب مفهومی گذار دوم جمعیتی که بر تغییرات ارزشی و فرهنگی تأکید دارد، استفاده می‌شود. در این راستا مدل نظری به صورت شکل ۱ طراحی و ارائه گردیده است.

شکل ۱. مدل نظری - تحلیلی تحقیق



با توجه به نظریه گذار دوم جمعیتی، سه فرضیه زیر در مقاله مطرح و آزمون می‌شود:
 فرضیه اول: با افزایش برابری جنسیتی، باروری کاهش می‌یابد.
 فرضیه دوم: با افزایش فردگرایی، باروری کاهش می‌یابد.
 فرضیه سوم: با افزایش عرفی شدن، باروری کاهش می‌یابد.

پیشینه تحقیق

جمعیت‌شناسی و فرهنگ رابطه‌ای دیرینه و دوسویه با یکدیگر دارند. عوامل فرهنگی به‌لحاظ اهمیتی که برای نتایج (پیامدهای) جمعیت‌شناختی دارند، به‌طور گسترده اما اغلب به‌عنوان پس‌زمینه پژوهش‌های جمعیت‌شناختی شناخته شده هستند (باچرچ، ۲۰۱۴). توجه به عوامل فرهنگی در تبیین باروری بعد از پروژه باروری اروپا پرینستون^۱ شدت و قوت گرفت. در واقع، عدم تبیین کافی گذار باروری توسط شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی منجر شد تا مطالعات و پژوهش‌های جمعیت‌شناسی به فرهنگ روی بیاورند (کللند و ویلسون، ۱۹۸۷).
 در برخی مطالعات پیشین، عوامل ارزشی و فرهنگی به‌عنوان واسطه و میانه رابطه بین وضعیت اقتصادی-اجتماعی و رفتار باروری در نظر گرفته شده است (کلیفورد ۱۹۷۱؛ پوستون

و همکاران (۱۹۷۵). کلیفورد^۱ (۱۹۷۱) در مقاله‌ای با عنوان «جهت‌گیری ارزشی مدرن و سنتی و رفتار باروری: مطالعه جمعیت‌شناسی اجتماعی»، جهت‌گیری ارزشی را به‌عنوان متغیر واسط و میانه رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رفتار باروری در نظر گرفته و چنین نتیجه می‌گیرد که جهت‌گیری مدرن با الگوی باروری پایین همبسته است در حالی که جهت‌گیری سنتی با الگوی باروری بالا مرتبط است. پوستون و همکاران^۲ (۱۹۷۵) به بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی، جهت‌گیری‌های ارزشی و رفتارهای باروری در میان مردان ازدواج‌کرده در هند پرداختند و به این نتیجه رسیدند که جهت‌گیری‌های ارزشی مدرن رابطه منفی با تعداد فرزندان و ترجیح فرزند پسر داشته و در مقابل، با استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری رابطه مثبت داشته‌اند. لوتز^۳ (۱۹۸۷) در مطالعه‌ای با عنوان «فرهنگ، مذهب و باروری» به این نتیجه می‌رسد که فرهنگ و مذهب، نه تنها مستقیماً بر رفتارهای فردی تأثیر می‌گذارند، بلکه همچنین، با تشکیل یک بخش کاملی از هویت فرهنگی جامعه، سیستم جامع هنجارهای اجتماعی را شکل می‌دهند.

مطالعه ردفوردر^۴ و همکاران (۱۹۹۶) نشان داد که مهم‌ترین تغییرات ارزشی مؤثر بر باروری، استقلال اقتصادی بیشتر زنان و تأکید بر ارزش‌های فردگرایی است. مطالعه ون‌دکا^۵ (۲۰۰۱) با عنوان «ترجیحات پست‌مدرن باروری: از جهت‌گیری ارزشی به رفتار جدید» نشان داد که داشتن فرزند تحت تأثیر ایده خودتحقق‌بخشی در جامعه پست‌مدرن است. افراد با جهت‌گیری‌های پست‌مدرنیسم و فرامادیون فرزندآوری را دیرتر آغاز کرده و در هر سنی متوسط تعداد فرزندان متولدشده پایین‌تری دارند.

میتنن و پینن^۶ (۲۰۰۳) در بررسی رابطه نگرش‌ها و ارزش‌های فردی با نیات باروری زنان و مردان ۱۸-۴۰ ساله فنلاندی نشان دادند که ارزش‌های مذهبی، نگرش‌های شغلی، و ارزش‌های فردگرایانه بطور قوی و معنی‌داری نیات فرزندآوری را تبیین می‌کنند، در مقایسه، عوامل وضعیتی نظیر اشتغال و پایگاه اقتصادی خانواده، رابطه ضعیف‌تری با نیات باروری دارند. مطالعه هارا^۷ (۲۰۰۸) در تبیین پدیده بی‌فرزندگی در آلمان به این نتیجه رسید که یکی از

1- William B. Clifford-

2- Dudeley L. Poston

3- Lutz

4- Retherford

5- Van De ka

6- Miettinen A. and P. Paajanen

7- Hara

مهم‌ترین بسترهای تمایل به بی‌فرزندگی، سبک زندگی فردی و خودتحقق‌بخشی است. هیفورد و مورگان^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان «دینداری و باروری در ایالات متحده: نقش نیت باروری» به این نتیجه رسیدند زنانی که دین در زندگی روزمره آن‌ها بسیار مهم است نسبت به کسانی که دین برای‌شان تا حدودی مهم است یا اصلاً مهم نیست، نگرش‌های جنسینی سستی و ترجیحات باروری بالاتری دارند.

مک‌کیلن^۲ (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای با عنوان «چگونه مذهب بر باروری تأثیر می‌گذارد»، به سه مکانیزم تأثیرگذاری مذهب بر باروری اشاره می‌کند: اول، مذهب هنجارهای مشخصی در ارتباط با باروری دارد. هنجارهای مذهبی مرتبط با باروری شامل رهنمودهای خاص مذهبی درباره نقش‌های جنسیتی و زندگی خانوادگی است. دوم، گروه‌های مذهبی، از ابزارهایی برای انتقال دستورات و آموزه‌های دینی به اعضایش استفاده می‌کند تا بدین وسیله ایمان، اعتقادات و اطاعت آنها را تقویت کند. علاوه بر تقویت هنجارهای مذهبی توسط فشار اجتماعی غیررسمی، اغلب یک سازمان رسمی مذهبی وجود دارد که ارائه‌دهنده پاداش‌های مادی و نمادی به آن دسته از اعضا می‌باشد که به آموزه‌های مذهبی عمل می‌کنند و برای کسانی که به آموزه‌ها عمل نمی‌کنند مجازات‌هایی اعمال می‌کنند. این عنصر، در حقیقت تأکید بر اهمیت بررسی نقش مذهب و نهادهای مذهبی در نظام اجتماعی - سیاسی دارد. سوم، تأثیرگذاری گروه‌های مذهبی بر انتخاب و تصمیم‌گیریهایی مرتبط با رفتارهای جمعیتی پیروان خود می‌باشد، وقتی که اعضا گروه مذهبی از تعلق خاطر و همبستگی زیادی نسبت به اجتماع مذهبی خود برخوردارند. در این شرایط، مذهب عنصر تعریف شده زندگی افراد می‌شود. این تعلق خاطر و احساس همبستگی زیاد، موجب افزایش پاداش‌ها برای اطاعت و مجازات‌ها برای نافرمانی‌ها می‌شود.

شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با عنوان «میزان فردگرایی و رابطه آن با قصد باروری زنان در شرف ازدواج شهر نیشابور» به این نتیجه رسیدند که فردگرایی متغیری مهم و تعیین‌کننده قصد باروری در زنان نسل جدید است و سایر عوامل نظیر تحصیلات و اشتغال اثرات خود را از طریق فردگرایی بر نیت و رفتارهای باروری می‌گذارند.

مدیری و رازقی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «رابطه دینداری و قصد باروری در شهر

1- Hayford & Morgan

2- Kevin McQuillan

تهران» نشان دادند که قصد باروری متأثر از دینداری بوده و این تأثیر در حضور متغیرهای اقتصادی- اجتماعی همچنان پابرجاست. همچنین، اگرچه زنان دیندارتر از مردان هستند، اما قصد باروری در زنان و مردان تقریباً با شدت یکسان متأثر از دینداری است.

رستگارخالد و محمدی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «تغییرات فرهنگی و افت باروری در ایران» به بررسی رابطه تحولات فرهنگی در حوزه‌های فردی، خانوادگی و مذهبی با تغییرات نرخ‌های باروری در مراکز استان‌های ایران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که هرچه میزان دینداری شهرها بیشتر و سطوح فردگرایی کمتر، و میزان توجه به ارزش‌های خانوادگی بیشتر باشد، نرخ باروری در آن شهرها بیشتر است و برعکس.

مطالعه پیش‌رو، برخلاف مطالعه رستگار خالد و محمدی (۱۳۹۴) که سطح تحلیل استان بوده، در سطح فردی انجام می‌گیرد. همچنین در مقایسه با مطالعه شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۲) و مطالعه مدیری و رازقی (۱۳۹۴) که بر یکی از عوامل فرهنگی، عرفی‌شدن یا فردگرایی متمرکز بوده‌اند، مطالعه پیش‌رو به بررسی تأثیر همزمان سه عامل فرهنگی- ارزشی، یعنی فردگرایی، برابری جنسیتی و عرفی‌شدن، بر ترجیحات باروری می‌پردازد.

روش تحقیق

روش تحقیق مطالعه کمی و داده‌ها با استفاده از پیمایش مقطعی در میان جوانان دارای همسر ۳۰-۱۵ سال شهر تهران گردآوری گردید. حجم نمونه برابر با ۷۲۰ نفر تعیین و در چارچوب روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابتدا بر اساس مطالعه رفیعیان و شالی (۱۳۹۱) مناطق ۲۲گانه شهر تهران به لحاظ توسعه‌یافتگی در چهار خوشه بالا، متوسط به بالا، متوسط به پایین و پایین طبقه‌بندی شدند. سپس از هر خوشه بطور تصادفی دو منطقه انتخاب شدند. بدین ترتیب، مناطق ۱ و ۲ با سطح توسعه بالا، مناطق ۵ و ۶ در خوشه متوسط به بالا، مناطق ۹ و ۱۳ در خوشه متوسط به پایین، و مناطق ۱۵ و ۱۹ در سطح توسعه پایین انتخاب شدند. بعد از انتخاب مناطق، در هر منطقه دو حوزه بطور تصادفی انتخاب شدند و نمونه مورد بررسی با مراجعه به درب منازل مورد مصاحبه قرار گرفتند.

متغیرهای تحقیق:

متغیر وابسته: ترجیحات باروری

تعداد فرزندان ایده‌ال و دلخواه (مطلوب) در زمان بررسی دو بُعد کلیدی ترجیحات باروری هستند که در این مطالعه در مقیاس نسبی به‌عنوان متغیر وابسته تعریف شده‌اند. مفاهیم باروری ایده‌ال و باروری دلخواه، هرچند گاهی در ادبیات تحقیق بطور یکسان و بجای همدیگر بکار رفته است. اما آن‌ها دو مفهوم کاملاً متفاوت و متمایز از یکدیگر هستند. در دیکشنری چندزبانه جمعیت‌شناسی آمده است: «بین اندازه دلخواه خانواده^۱ و اندازه ایده‌ال خانواده^۲ تمایز وجود دارد؛ اولی به تعداد فرزندانی که یک زن، یک مرد، یا یک زوج در زندگی خود می‌خواهند داشته باشند اشاره دارد و دومی به تعداد فرزندانی که آن‌ها برای جامعه‌شان متصور هستند مربوط است» (ون‌دی‌وال، ۱۹۸۲: ۸۰). مورگان^۳ (۲۰۰۱) بر این باور است که باروری ایده‌ال منعکس‌کننده متوسط اندازه ایده‌ال خانواده در یک جامعه است، به بیان دیگر، آن تعداد فرزندان از نظر اجتماعی مطلوب یا قابل قبول است. همچنین مرجع سوال اندازه ایده‌ال خانواده، متوسط تعداد ایده‌ال فرزند برای یک خانواده در هر جامعه‌ای (برای مثال ایرانی) است، در حالی که اندازه دلخواه خانواده به تعداد فرزندانی اشاره دارد که یک زن دوست دارد خودش داشته باشد. در همین ارتباط، تستا^۴ (۲۰۱۲) این دو مفهوم را به خوبی از هم متمایز کرده است. وی معتقد است که اندازه ایده‌ال خانواده در واقع "اندازه ایده‌ال عمومی یا جامعه‌ای"^۵ است که بازتاب ترجیحات فرزندآوری در سطح هنجاری^۶ است. در حالی که، اندازه دلخواه خانواده "اندازه دلخواه/مطلوب شخصی"^۷ است و منعکس‌کننده ترجیحات فرزندآوری در سطح فردی است اما در شرایط ایده‌ال و بدون وجود موانع ممکن (تستا، ۲۰۱۲: ۷).

-
- 1- Desired family size
 - 2- Ideal family size
 - 3- Morgan
 - 4- Testa
 - 5- Societal ideal family size
 - 6- Normative
 - 7- Personal ideal family size

جدول ۱. متغیرهای تحقیق و نحوه سنجش آن

نحوه سنجش (گویه‌ها)	متغیرهای تحقیق		
	تعداد فرزند ایده‌ال	ترجیحات باروری	متغیر وابسته
تعداد ایده‌ال فرزند برای یک خانواده ایرانی چندتاست؟	تعداد فرزند دلخواه		
چه تعداد فرزند خودتون دوست دارید در زندگی‌تان داشته باشید؟			
(۱) همیشه برای خانواده‌ام خود را قربانی می‌کنم و اهداف فردی خود را نادیده می‌گیرم. (۲) اعضای خانواده باید کنار یکدیگر باشند و اینکه چه فداکاری‌ای موردنیاز است مهم نیست. (۳) مراقبت از خانواده حتی زمانی که من باید آنچه را که می‌خواهم قربانی کنم وظیفه من است. (۴) برای من حفاظت از آبروی خانواده بیش از هر چیز دیگری اهمیت دارد. (۵) هنگام تصمیم‌گیری و انجام کارهایم نظرات و احساسات دیگر اعضای خانواده‌ام را در نظر می‌گیرم. (۶) داشتن یک زمان خوب و شاد با دیگران برایم مهم است. (۷) برایم مهم است که همسرم درجه تحصیلی بالا و موفقیت شغلی به دست بیاورد. (۸) معتقدم که زوجها مجبور به ترک منافع شخصی و مراقبت از منافع یکدیگر هستند.	فردگرایی (برگرفته از جورگاس، ۱۹۸۹؛ صادقی ۱۳۹۳)	عوامل فرهنگی	متغیرهای مستقل
(۱) من معتقدم که زنان باید مانند مردان دسترسی برابری به اشتغال خارج از خانه داشته باشند. (۲) من معتقدم که زنان و مردان باید حقوق برابری در فعالیت‌های سیاسی داشته باشند. (۳) من معتقدم که زنان باید مانند مردان حقوق برابری برای وزیر یا رئیس جمهور شدن برخوردار باشند. (۴) من معتقدم که زنان و مردان باید دسترسی برابری به تحصیلات عالی داشته باشند. (۵) من معتقدم که زنان و مردان باید از حقوق برابر در انتخاب همسر برخوردار باشند. (۶) من معتقدم که زنان و مردان باید از حقوق قانونی برابری در طلاق برخوردار باشند. (۷) من معتقدم که برای هر خانواده بهتر است که مرد خارج از خانه باشد و زن به مراقبت از خانه و خانواده بپردازد (معکوس). (۸) من معتقدم که بعد از دواج حتی اگر یک زن از تحصیلات دانشگاهی و عالی برخوردار باشد بهتر است که در خانه بماند و بیرون از خانه کار نکند (معکوس). (۹) من معتقدم که مادران غیرشاغل نسبت به مادران شاغل روابط بهتری با فرزندان دارند (معکوس).	برابری جنسیتی (برگرفته از خلید و فریز، ۲۰۰۴؛ سراج‌زاده و جواهری، ۱۳۸۵)		

<p>(۱) تا چه اندازه دین در زندگی شما مهم است (۲) در انتخاب همسر تا چه اندازه دینداری همسران برایتان مهم بوده است. (۳) چه اندازه معتقدید که ثبات خانواده یک وظیفه‌ی دینی و مذهبی است. (۴) هر چند وقت یکبار شما در فعالیت‌ها و اعمال مذهبی مشارکت می‌کنید. (۵) تا چه اندازه معتقدید که خدا بر همه‌ی اعمال و رفتارهای ما ناظر است.</p>	<p>عرفی شدن (برگرفته از سراج‌زاده ۱۳۸۳؛ شجاعی‌زند ۱۳۸۴؛ افشارکهن وهمکاران ۱۳۹۰؛ میرفردی و رجایی ۱۳۹۲؛ خطیبی ۱۳۹۴)</p>		
<p>در سطح نسبی و با سوال به هنگام ازدواج (اولین) چند سال داشتید؟ سنجش شده است</p>	<p>سن ازدواج</p>	<p>متغیرهای اقتصادی- جمعیتی</p>	<p>متغیرهای کنترل</p>
<p>در سطح اسمی در دو مقوله مرد و زن اندازه‌گیری شده است</p>	<p>جنس</p>		
<p>در سطح سنجش ترتیبی در نه مقوله بیسواد، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری بررسی شده است.</p>	<p>تحصیلات</p>		
<p>در سطح اسمی در دو مقوله غیرشاغل و شاغل اندازه‌گیری شده است</p>	<p>وضعیت شغلی</p>		
<p>شاخص وضعیت اقتصادی در سطح نسبی و بر اساس متوسط هزینه ماهانه خانوار، مالکیت مسکن، و وضعیت مالی و اقتصادی خانوار اظهار شده ساخته شده است.</p>	<p>شاخص وضعیت اقتصادی خانوار</p>		

متغیرهای مستقل: عوامل فرهنگی

متغیرهای مستقل تحقیق شامل شاخص‌های فردگرایی، برابرگرایی جنسیتی و عرفی شدن است. در این تحقیق فردگرایی در مقابل با خانواده‌گرایی بررسی شده است. برای سنجش «فردگرایی» از ۸ گویه در قالب طیف لیکرت با مقدار آلفای کرونباخ $0/81$ استفاده شده است (جدول ۱). نمره شاخص در سطح سنجش نسبی بین حداقل ۸ و حداکثر ۴۰ نوسان داشته و نمره بالاتر بیانگر میزان فردگرایی بیشتر است. «برابرگرایی جنسیتی»، براساس نگرش نسبت به نقش‌ها و تقسیم کار جنسیتی در قالب ۹ گویه سنجیده شده است (جدول ۱). مقدار آلفای کرونباخ شاخص برابر با $0/80$ بدست آمد. نمره شاخص در سطح سنجش نسبی بین حداقل ۹ و حداکثر ۴۵ نوسان دارد. نمره بالاتر به منزله نگرش‌های برابرگرایی جنسیتی بیشتر است. «عرفی شدن»، توسط ۵ گویه در قالب طیف لیکرت سنجش شده است (جدول ۱). مقدار آلفای کرونباخ شاخص $0/83$ بدست آمد. نمره شاخص در سطح سنجش نسبی بین حداقل ۵

و حداکثر ۲۵ است. نمره بالاتر به منزله نگرش‌های سکولاریسم یا عرفی شدن بیشتر است. علاوه بر این‌ها، متغیرهای سن ازدواج، جنس، تحصیلات، وضعیت شغلی، و وضعیت اقتصادی خانوار به عنوان متغیرهای کنترل در بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر ترجیحات باروری در نظر گرفته شده است. همچنین، برای تحلیل داده‌ها از نسخه ۱۹ نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری استفاده شده است.

نتایج و یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

بر اساس یافته‌های جدول ۲، حدود ۵۶ درصد نمونه را زنان و ۴۴ درصد را مردان تشکیل داده‌اند. بیشتر پاسخگویان بین ۲۵ تا ۳۰ سال سن داشته‌اند. بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۰ حدود ۷۳ درصد جوانان حداقل یکبار ازدواج کرده شهر تهران در این گروه سنی هستند که در نمونه مورد بررسی سهم این گروه اندکی بیشتر است. میانگین سنی پاسخگویان برابر با ۲۷ سال بوده است (۲۸ سال برای مردان و ۲۶ سال برای زنان). همچنین، ۴۱ درصد نمونه در سنین ۲۴-۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند، البته در بین مردان بیش از نیمی از جمعیت (۶۳ درصد) سن ازدواج‌شان بین ۳۰-۲۵ سال بوده است، در صورتی که برای زنان بیشتر (۴۶ درصد) در سنین ۲۴-۲۰ سال ازدواج کرده‌اند. در نمونه مورد بررسی میانگین سن ازدواج مردان ۲۵/۲ سال و زنان ۲۱/۷ سال بوده است. بلحاظ تحصیلات نیز بیشتر افراد نمونه در سطح تحصیلات فوق‌دیپلم و لیسانس بوده و درصد بسیار پایینی از نمونه در سطح تحصیلات بی‌سواد و ابتدایی قرار دارند. علاوه بر اینها، ۵۵ درصد نمونه شاغل و ۴۵ درصد غیرشاغل می‌باشند. این نسبت برای مردان ۸۸ درصد و برای زنان ۲۹ درصد است. به لحاظ وضعیت اقتصادی خانوار نیز حدود نیمی از جمعیت نمونه (۴۷ درصد) در سطح متوسط قرار دارند، ۲۹ درصد در وضعیت اقتصادی پایین و ۲۴/۲ درصد در وضعیت اقتصادی بالا قرار دارند.

جدول ۲. توزیع ویژگی‌های جمعیتی نمونه مورد بررسی

زن		مرد		هر دو جنس		متغیر
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲.۷	۱۱	۰	۰	۱.۵	۱۱	سن پاسخگو ۱۵-۱۹
۲۵.۴	۱۰۳	۵.۴	۱۷	۱۶.۷	۱۲۰	۲۰-۲۴
۷۱.۹	۲۹۱	۹۴.۶	۲۹۸	۸۱.۸	۵۸۹	۲۵-۳۰
۲۶/۱		۲۸/۲		۲۷/۰		میانگین (به سال)
۲۹.۴	۱۱۹	۳.۲	۱۰	۱۷.۹	۱۲۹	سن ازدواج ۱۵-۱۹
۴۶.۴	۱۸۸	۳۳.۷	۱۰۶	۴۰.۸	۲۹۴	۲۰-۲۴
۲۴.۲	۹۸	۶۳.۲	۱۹۹	۴۱.۳	۲۹۷	۲۵-۳۰
۲۱/۷		۲۵/۲		۲۳/۲		میانگین (به سال)
۵.۲	۲۱	۳.۲	۱۰	۴.۳	۳۱	تحصیلات بی سواد/ابتدایی
۱۲.۳	۵۰	۱۵.۲	۴۸	۱۳.۶	۹۸	راهنمایی/متوسطه
۴۱.۷	۱۶۹	۳۲.۱	۱۰۱	۳۷.۵	۲۷۰	دیپلم و پیش‌دانشگاهی
۳۷.۳	۱۵۱	۴۱.۶	۱۳۱	۳۹.۲	۲۸۲	فوق‌دیپلم و لیسانس
۳.۵	۱۴	۷.۹	۲۵	۵.۴	۳۹	فوق‌لیسانس و دکتری
۲۸.۶	۱۱۶	۸۷.۹	۲۷۷	۵۴.۶	۳۹۳	وضعیت شغلی شاغل
۷۱.۴	۲۸۹	۱۲.۱	۳۸	۴۵.۴	۳۲۷	غیر شاغل
۲۸.۶	۱۱۶	۲۹.۲	۹۲	۲۸.۹	۲۰۸	وضعیت پایین
۴۷.۴	۱۹۲	۴۶.۳	۱۴۶	۴۶.۹	۳۳۸	اقتصادی متوسط
۲۴.۲	۹۷	۲۴.۴	۷۷	۲۴.۲	۱۷۴	خانوار بالا
۱۰۰.۰	۴۰۵	۱۰۰.۰	۳۱۵	۱۰۰.۰	۷۲۰	کل نمونه

جدول ۳ به توصیف متغیرهای مستقل تحقیق می‌پردازد. بر این اساس، نیمی از جمعیت نمونه (۵۱ درصد) نگرش‌های فردگرایی پایینی دارند. از نظر نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی نیز نیمی از پاسخگویان (۵۳ درصد) در طبقه میانه رو قرار دارند، درصد افراد با نگرش‌های سلسله‌مراتبی جنسیتی (ستی) و برابری طلب (مدرن) تقریباً برابر می‌باشند. نگرش‌های برابرگرایانه جنسیتی در زنان بیشتر از مردان است. علاوه بر این، ۶۱ درصد پاسخگویان دارای نگرش‌های مذهبی میانه‌رو هستند، ۲۴ درصد خیلی دیندار و ۱۵ درصد سکولار می‌باشند.

جدول ۳. جهت گیری های ارزشی-فرهنگی پاسخگویان به تفکیک جنسیت

جهت گیری های ارزشی - فرهنگی	هر دو جنس		مرد		زن		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
فردگرایی	کم	۳۶۷	۵۱.۰	۱۵۵	۴۹.۲	۲۱۲	۵۲.۳
	متوسط	۲۳۰	۳۱.۹	۱۰۱	۳۲.۱	۱۲۹	۳۱.۹
	زیاد	۱۲۳	۱۷.۱	۵۹	۱۸.۷	۶۴	۱۵.۸
برابری جنسیتی	کم (سلسله مراتبی)	۱۷۲	۲۳.۹	۱۲۱	۳۸.۴	۵۱	۱۲.۶
	متوسط (میانرو)	۳۸۰	۵۲.۸	۱۶۱	۵۱.۱	۲۱۹	۵۴.۱
	زیاد (برابری طلب)	۱۶۸	۲۳.۳	۳۳	۱۰.۵	۱۳۵	۳۳.۳
سکولاریسم (عرفی شدن)	خیلی دیندار	۱۷۲	۲۳.۹	۶۴	۲۰.۳	۱۰۸	۲۶.۷
	میانرو	۴۳۹	۶۱	۲۰۲	۶۴.۱	۲۳۷	۵۸.۵
	سکولار	۱۰۹	۱۵.۱	۴۹	۱۵.۶	۶۰	۱۴.۸
کل نمونه	۷۲۰	۱۰۰.۰	۳۱۵	۱۰۰.۰	۴۰۵	۱۰۰.۰	

جدول ۴ توزیع ترجیحات باروری جوانان مورد بررسی را نشان می دهد. میانگین اندازه ایده آل و دلخواه فرزند (باروری ایده آل و دلخواه)، به ترتیب، ۲/۱۹ و ۲/۱۵ فرزند بدست آمد. بیش از نیمی از پاسخگویان دو فرزندی را اندازه ایده آل و دلخواه فرزندآوری معرفی کرده اند و کمتر از ۲۰ درصد به تک فرزندی اشاره داشته اند. ترجیحات باروری زنان اندکی بیشتر از مردان بوده است.

جدول ۴. ترجیحات باروری پاسخگویان به تفکیک جنسیت

تعداد فرزند	تعداد فرزند ایده آل (%)			تعداد فرزند دلخواه (%)		
	هر دو جنس	مرد	زن	هر دو جنس	مرد	زن
۰	۱.۷	۲.۹	۰.۷	۱.۵	۲.۵	۰.۷
۱	۱۹.۴	۲۲.۲	۱۷.۳	۱۷.۹	۲۱.۰	۱۵.۶
۲	۵۳.۵	۴۷.۳	۵۸.۳	۵۶.۵	۴۹.۸	۶۱.۷
۳	۱۳.۳	۱۶.۲	۱۱.۱	۱۴.۴	۱۶.۸	۱۲.۶
۴	۱۰.۱	۸.۶	۱۱.۴	۸.۱	۷.۳	۸.۶
+۵	۱.۹	۲.۹	۱.۲	۱.۵	۲.۵	۰.۷
میانگین	۲.۱۹	۲.۱۷	۲.۲۰	۲.۱۵	۲.۱۵	۲.۱۶

نتایج تحلیل دو متغیره

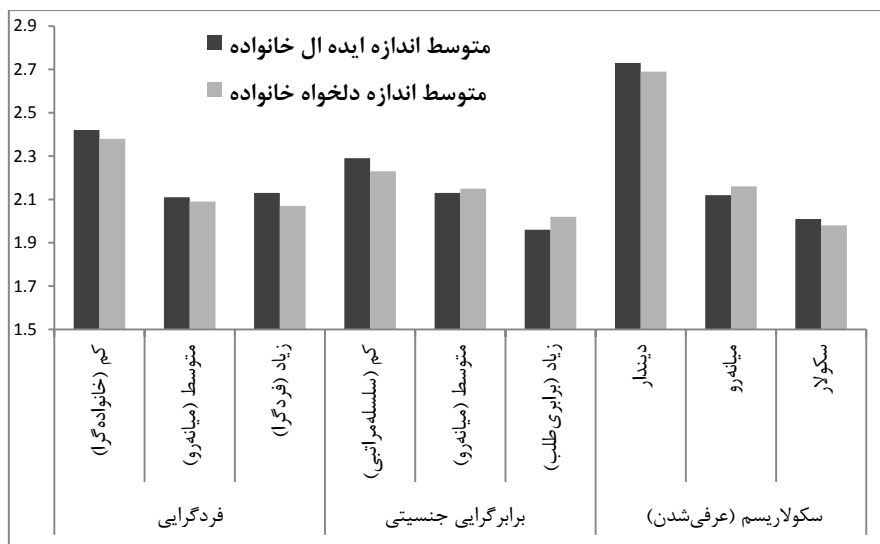
بررسی رابطه هر کدام از عوامل فرهنگی - ارزشی بر ایده‌آل‌ها و تمایلات باروری نشان داد که هر سه متغیر، برابرگرایی جنسیتی، فردگرایی و عرفی شدن، همبستگی منفی و معنی داری با باروری ایده‌آل و دلخواه دارند (جدول ۵).

جدول ۵. ضریب همبستگی رابطه عوامل فرهنگی با ترجیحات باروری

باروری دلخواه		باروری ایده‌آل		متغیر
ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری	
-۰.۱۴۴	۰.۰۰۱	-۰.۱۳۹	۰.۰۰۱	برابرگرایی جنسیتی
-۰.۰۶۹	۰.۰۰۵	-۰.۱۰۶	۰.۰۰۴	فردگرایی
-۰.۱۸۹	۰.۰۰۱	-۰.۲۱۹	۰.۰۰۱	عرفی شدن

به بیان دیگر، همانطور که در نمودار ۱ مشخص است با افزایش میزان برابرگرایی جنسیتی، فردگرایی و عرفی شدن، تعداد ایده‌آل و دلخواه فرزند برای هر خانواده بطور معناداری کاهش می‌یابد. بر این اساس، افراد فردگرا، سکولار و دارای نگرش‌های مدرن جنسیتی، ترجیحات باروری کمتری دارند.

نمودار ۱. متوسط تعداد ایده‌آل و دلخواه فرزند بر حسب مولفه‌های فرهنگی



نتایج تحلیل چندمتغیره

به منظور بررسی تأثیر خالص و مستقل عوامل فرهنگی بر ترجیحات باروری، آزمون رگرسیون خطی چندگانه بکار گرفته شد. نتایج در دو مدل ارائه شده است. در مدل ۱ عوامل فرهنگی - برابرگرایی جنسیتی، فردگرایی و عرفی شدن - وارد مدل شده‌اند. در مدل ۲ علاوه بر عوامل فرهنگی، سایر متغیرها (اقتصادی - جمعیتی)، به عنوان متغیرهای کنترل، وارد مدل شده است. در میان متغیرهای کنترل، تنها دو متغیر شاخص وضعیت اقتصادی خانوار و سن ازدواج تأثیر معناداری بر ترجیحات فرزندآوری داشته‌اند. بدین صورت که با افزایش سن ازدواج و بهبود وضعیت اقتصادی خانوار، باروری ایده‌ال و دلخواه، بطور معنی‌داری کاهش می‌یابد.

جدول ۶. ضرایب رگرسیونی تأثیر مستقل عوامل فرهنگی بر ترجیحات باروری

متغیرهای مستقل		باروری ایده‌ال				باروری دلخواه			
		مدل ۱		مدل ۲		مدل ۱		مدل ۲	
		Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta
فردگرایی		۰.۰۷۳	-۰.۰۴۹	۰.۰۰۷	-۰.۱۰۲	۰.۳۱۸	-۰.۰۳۸	۰.۰۵۴	-۰.۰۷۴
برابرگرایی جنسیتی		۰.۱۳۵	-۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	-۰.۱۴۲	۰.۰۰۱	-۰.۱۳۷	۰.۰۰۱	-۰.۱۴۴
عرفی شدن		۰.۱۸۹	-۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	-۰.۱۶۸	۰.۰۰۱	-۰.۱۶۷	۰.۰۰۱	-۰.۱۴۰
شاخص وضع اقتصادی خانوار				۰.۰۱۲	-۰.۰۹۶			۰.۰۰۲	-۰.۱۱۶
تعداد سالهای تحصیل				۰.۱۳۸	-۰.۰۵۹			۰.۳۶۴	-۰.۰۳۶
وضعیت شغلی (شاغل)				۰.۲۳۹	-۰.۰۵۱			۰.۷۱۱	-۰.۰۱۶
جنس (زن)				۰.۶۸۰	-۰.۰۲۴			۰.۵۰۱	-۰.۰۳۲
سن ازدواج				۰.۰۰۱	-۰.۱۷۵			۰.۰۰۱	-۰.۱۹۰
F(sig.)		۱۷.۸۷۱ (۰.۰۰۱)		۱۰.۴۱۴ (۰.۰۰۱)		۱۳.۵۰۶ (۰.۰۰۱)		۹.۶۷۷ (۰.۰۰۱)	
R		۰.۲۶۱		۰.۳۴۱		۰.۲۳۱		۰.۳۳۰	
R ² (%)		۶.۸		۱۱.۷		۵.۴		۱۰.۹	

بر اساس نتایج جدول ۶ با اضافه شدن متغیرهای اقتصادی- جمعیتی به معادله رگرسیونی در مدل ۲، مقدار تأثیر (بتا) دو متغیر برابرگرایی جنسیتی و فردگرایی بر ترجیحات باروری در مقایسه با مدل ۱ اندکی افزایش یافته و در مقابل، تأثیر عرفی شدن کاهش یافته است. در مجموع نتایج مدل ۲ نشان می‌دهد که علی‌رغم کنترل تأثیرات متغیرهای اقتصادی- جمعیتی،

عوامل فرهنگی نظیر فردگرایی، برابرگرایی جنسیتی و عرفی شدن تأثیر مستقل و معنی‌داری بر ترجیحات باروری دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه و شناخت محیط فرهنگی کنشگران، به عنوان بستر شکل‌گیری کنش و بررسی هنجارهای حاکم بر رفتار کنش‌گران از اهمیت زیادی در مطالعات باروری برخوردار است. در این راستا، مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر عوامل فرهنگی (فردگرایی، برابرگرایی جنسیتی و عرفی شدن) بر ترجیحات فرزندآوری جوانان متأهل در شهر تهران انجام گرفت. بر اساس نتایج، متوسط اندازه ایده‌آل و دلخواه خانواده از نظر پاسخگویان به ترتیب ۲/۱۹ و ۲/۱۵ بدست آمد. حدود ۱۹ درصد جوانان مورد بررسی یک فرزند، ۵۴ درصد دو فرزند و ۲۵ درصد سه فرزند و بیشتر را تعداد ایده‌آل فرزند برای جامعه ایران دانسته‌اند. ارقام متناظر برای تعداد دلخواه فرزند برای خود افراد، به ترتیب، ۱۸، ۵۷ و ۲۴ درصد بوده است. از اینرو، نتایج بیانگر ارزش و هنجار دو فرزند در میان جوانان تهرانی است. این یافته با نتایج سایر مطالعات انجام گرفته همخوانی دارد (مدیری و رازقی ۱۳۹۴؛ صادقی ۱۳۹۵).

همچنین نتایج نشان داد اکثر جوانان مورد بررسی جهت‌گیری ارزشی- فرهنگی میان‌رو داشته، و حدود ۲۰ درصد جهت‌گیری فرهنگی مدرن (فردگرا، برابرگرا جنسیتی و سکولار) داشته‌اند. میرزایی (۱۳۸۴) در بررسی جامعه‌شناختی فردگرایی در شهر تهران به این نتیجه می‌رسد که فردگرایی به معنی مصطلح و غربی آن در ایران ظهور کامل نیافته است و فردیت موجود در ایران اغلب فردیت خانوادگی است. تحولات جامعه ایران در جهت عرفی شدن و افزایش نگرش‌های مدرن جنسیتی در مطالعات قبلی نیز اثبات شده است (سراج‌زاده و جواهری ۱۳۸۵؛ افشارکهن و همکاران ۱۳۹۰؛ افشاری ۱۳۹۴؛ رستگارخالد و محمدی ۱۳۹۴؛ مدیری و رحیمی ۱۳۹۵).

از اینرو، جامعه ایران از یک‌سو شاهد تحولات فرهنگی است و از سوی دیگر حدود یک دهه هست که باروری پایین را تجربه می‌کند. در خصوص رابطه این دو، نتایج تحلیل دومتغیره نشان داد افراد فردگرا، سکولار و با نگرش جنسیتی برابرگرا، باروری ایده‌آل و دلخواه پایین‌تری در مقایسه با افراد جمع‌گرا، مذهبی و با نگرش نابرابرگرا جنسیتی دارند. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد با کنترل متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای، عوامل فرهنگی نظیر فردگرایی، برابرگرایی جنسیتی و

عرفی شدن تأثیر منفی و معنی داری بر ترجیحات فرزندآوری دارند. تغییرات در باروری دلخواه و ایده‌آل برحسب عوامل فرهنگی نقش اساسی در اغلب نظریه‌های کاهش باروری به‌ویژه نظریه گذار دوم جمعیتی دارد (لستهاق و سوروکین ۱۹۸۸؛ ون‌دکا ۲۰۰۲؛ تستا ۲۰۱۲).

رابطه منفی فردگرایی با ترجیحات باروری مورد تأکید در نظریه گذار دوم جمعیتی است. لستهاق و سوروکین (۱۹۸۸) تسلط رژیم‌های باروری پایین را به گسترش فردگرایی نسبت می‌دهند. مطالعات قبلی، نظیر شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۲) و میتین و پینن (۲۰۰۳) نشان دادند فردگرایی یک متغیر مهم تعیین‌کننده باروری در زنان نسل جدید می‌باشد.

تأثیر منفی عرفی شدن بر ترجیحات فرزندآوری، با نتایج مطالعات هیفورد و مورگان (۲۰۰۸)، نیومن و زیدرمن (۱۹۸۶)، مدیری و رازقی (۱۳۹۴) سازگار است. هیفورد و مورگان (۲۰۰۸) مکانیسم این تأثیر را بدین گونه تبیین کرده‌اند کسانی که دین برایشان مهم‌تر است نگرش‌های سنتی‌تر جنسیتی و روابط باثبات‌تر خانواده‌ای، در مقایسه با افراد کمتر مذهبی، دارند و به عبارتی الگوهای مذهبی اغلب نگرش‌ها و ارزش‌هایی درباره رفتار مناسب مرتبط با خانواده را بیان می‌کنند. بر اساس نتایج، برابرگرایی جنسیتی رابطه منفی با ترجیحات باروری دارد. افرادی که نگرش برابرگرایی جنسیتی دارند نسبت به افراد با نگرش‌های جنسیتی سنتی - سلسله‌مراتبی باروری ایده‌آل و دلخواه کمتری دارند. در این زمینه، مطالعه مدیری (۱۳۹۶) نیز رابطه منفی بین نگرش‌های جنسیتی برابرطلبانه و قصد فرزندآوری نشان می‌دهد. مطالعات پور^۱ و همکاران (۲۰۱۰) و وستوف و هیگنز^۲ (۲۰۰۹) نیز در اروپا نشان داد که رابطه منفی بین نگرش‌های مساوات‌طلبانه مردان و باروری وجود دارد.

از اینرو، یافته‌های مطالعه حاضر در چارچوب نظریه گذار دوم جمعیتی قابل تبیین است. زیرا، نظریه گذار دوم جمعیتی، مهم‌ترین تبیین‌کننده ترجیحات باروری بر مبنای تغییرات فرهنگی است. ترجیحات و رفتارهای باروری به‌شدت از محیط اجتماعی- فرهنگی و تغییرات نگرشی و ارزشی تأثیر می‌پذیرند. در شرایط باروری پایین عوامل فرهنگی و ارزشی اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند و همانطور که ون‌دکا (۲۰۰۱) و لستهاق (۲۰۱۴) اشاره می‌کنند بیشتر نوسانات در نیات و رفتارهای باروری را تبیین می‌کنند.

1- Puur

2- Westoff, and Higgins

لازم بذکر است که ارزیابی دقیق تأثیر تغییرات ارزشی و فرهنگی بر ترجیحات باروری نیازمند داده‌ها و مطالعات طولی است. همچنین، با توجه به نتایج مطالعه که ارزش‌های دینی و خانواده‌گرایی هنوز در جامعه ایران تسلط دارد و الگوی خانواده دو فرزند نیز ایده‌آل جوانان ایرانی است، تسلط باروری زیر سطح جانشینی، حاکی از برآورده نشدن ایده‌آل‌های باروری جوانان است. در این زمینه، سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی و تشویقی می‌تواند به حل مسئله باروری پایین در ایران کمک کند. در غیر اینصورت، با گسترش و افزایش سبک‌ها و هنجارهای فرهنگی مدرن، میزان‌های باروری در کشور کاهش خواهد یافت.

منابع

- افشارکهن، جواد، اسماعیل بلالی، محمدعلی سلیمانپور (۱۳۹۰). بررسی وضعیت عرفی شدن دانشجویان و برخی عوامل مؤثر بر آن در میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه بوعلی سینا، *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۵۸.
- افشاری، زهرا (۱۳۹۴). برابری جنسیتی و باروری در ایران، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۲۴۵-۲۶۲.
- خطیبی، اعظم (۱۳۹۴). نگرش زنان نسبت به عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده (پژوهشی در بین کارکنان زن دانشگاه‌های پیام نور استان همدان)، *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۳، شماره ۱، صص ۵۹-۹۲.
- چیل، دیوید (۱۳۸۸). *خانواده‌ها در دنیای امروز*، ترجمه: محمدمهدی لبیبی، تهران: نشرافکار.
- رستگارخالد، امیر و میثم محمدی (۱۳۹۴). تغییرات فرهنگی و افت باروری در ایران (برپایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره پیاپی (۵۸)، صص ۱۵۹-۱۸۰.
- رفیعیان، مجتبی، محمد شالی (۱۳۹۱). تحلیل فضایی سطح توسعه‌یافتگی تهران به تفکیک مناطق شهری، *مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۱۶(۴)، صص ۲۵-۴۹.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۳). *چالش‌های دین و مدرنیته*، انتشارات طرح نو.
- سراج‌زاده، سیدحسین و فاطمه جواهری (۱۳۸۵). برابری‌گرایی جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای و نگرشی مرتبط با آن، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۳-۴۰.
- سرایبی، حسن (۱۳۸۵). تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۲، صص ۳۷-۶۰.
- شاه‌آبادی، زهرا، حسن سرایی، و فریده خلیج‌آبادی فراهانی (۱۳۹۲). نقش فردگرایی در قصد باروری زنان در شرف ازدواج (مطالعه شهرستان نیشابور)، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۱۶، صص ۲۹-۵۴.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۱، صص ۳۴-۶۶.

بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر ترجیحات فرزندآوری جوانان در شهر تهران ۸۵

- صادقی، رسول (۱۳۹۳). بررسی روند طلاق در بین جوانان ایرانی: تعیین‌کننده‌ها، پیامدها و آسیب‌شناسی آن، طرح پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی، وزارت ورزش و جوانان.
- صادقی، رسول (۱۳۹۵). تحلیل بسترها و مولفه‌های فرهنگی - اجتماعی کاهش باروری در ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۲۴۶-۲۱۷.
- صادقی، رسول، محمدجلال عباسی شوازی، و سراج‌الدین محمودیانی (۱۳۹۴). تورم جوانی جمعیت در ایران: خلأهای تحقیقاتی و الزامات سیاستی، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۱۹، صص ۴۳-۹.
- عباسی شوازی، محمدجلال، و زهره خواجه‌صالحی (۱۳۹۲). سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه‌ی موردی شهر سیرجان)، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۴۵-۶۴.
- عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسکری‌ندوشن (۱۳۸۴). تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران، مطالعه‌ی موردی استان یزد، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۲۵، صص ۷۵-۳۵.
- عباسی شوازی، محمدجلال و میمنت حسینی‌چاوشی (۱۳۹۲)، تحولات باروری در ایران در چهار دهه‌ی اخیر: کاربرد و ارزیابی روش فرزندان خود، گزارش طرح پژوهشی، پژوهشکده آمار.
- عباسی شوازی، محمدجلال، سعید خانی (۱۳۹۳). ناامنی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سنندج، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۹، شماره ۱۷، صص ۷۶-۳۷.
- عباسی شوازی، محمدجلال، ملیحه علی‌مندگاری (۱۳۸۹). تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آن‌ها در ایران، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، شماره ۱، دوره ۲۸، صص ۵۱-۲۱.
- عظیمی‌هاشمی، مژگان، فائزه اعظم‌کاری، معصومه بیگناه و فاطمه رضامنش (۱۳۹۴) ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج، راهبرد فرهنگ، شماره بیست و نهم، صص ۲۱۲-۱۷۹.
- عنایت، حلیمه، مجید موحد و محبوبه مهربابی (۱۳۹۰). مطالعه رفتار و نگرش باروری دو نسل مادران و دختران و عوامل فرهنگی مرتبط با آن " پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان، سال اول، شماره اول، صص ۹۷-۱۱۸.

لوکاس، دیوید و پاول میر (۱۳۸۷). **درآمدی بر مطالعات جمعیتی**، ترجمه حسین محمودیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مدیری، فاطمه (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای تأثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری به تفکیک جنسیت در شهر تهران، **فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، دوره ۸، شماره ۳۲، صص ۲۰۲-۱۷۱.

مدیری، فاطمه، حجه بی بی رازقی نصرآباد (۱۳۹۴). بررسی رابطه دینداری و قصد باروری در شهر تهران، **نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران**، دوره ۱۰، شماره ۲۰، صص ۱۶۸-۱۲۳.

مدیری، فاطمه، علی رحیمی (۱۳۹۵). ترجیح جنسی و نقش نگرش‌های جنسیتی در شکل‌گیری آن، **نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران**، دوره ۱۱، شماره ۲۲، صص ۴۱-۹.

میرزایی، حسین (۱۳۸۴). **بررسی جامعه‌شناختی فردگرایی در ایران (با تأکید بر پیمایش ساکنین شهر تهران)**، رساله دکتری در رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

میرفردی، اصغر و محمدصادق رجایی (۱۳۹۲). بررسی نقش خصوصیات ظاهری و باورهای اعتقادی بر همسان‌گزینی در انتخاب همسر (مطالعه موردی دانشجویان مجرد دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم)، **مطالعات راهبردی زنان**، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صص ۱۹۰-۱۵۹.

نجفی‌اصل، زهره و محمود قاضی طباطبایی (۱۳۹۱). بررسی سیر تحولات کارکردهای ازدواج و فرزندآوری در سه نسل متوالی در دو خانواده روستایی (مطالعه موردی: روستای حصارخروان استان قزوین)، **نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران**، شماره ۱۴، صص ۱۱۲-۸۵.

Abbasi-Shavazi, M. J. (2001). Recent Changes and the Future Fertility in Iran, *Working Paper*, Australian National University, Australia.

Abbasi-shavazi, M.J., P, McDonald., and M, Hosseini-Chavoshi. (2009), *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*, New York, Springer'

Bachrach, C. A.(2014). Culture and Demography: From Reluctant Bedfellows to Committed Partners, *Demography* 51(1): 3-25.

Carter, A.T. (1998). Cultural Models and Demographic Behavior, Pp 246-267, in Alaka M. Basu and Peter Aaby (eds.), *The Methods and Uses of Anthropological Demography*, Oxford: Clarendon Press.

- Casterline, J. B. (2001). Diffusion Processes and Fertility Transition: Introduction”, in National Research Council, *Diffusion Processes and Fertility Transition: Selected Perspectives*, Washington D.C: National Academy Press, Pp 1-38.
- Cleland, J. and C. Wilson (1987). Demand Theories of the Fertility Transition: An Iconoclastic View, *Population Studies* 41(1): 5-30.
- Clifford, W. B (1971). Modern and Traditional Value Orientations and Fertility Behavior: A Social Demographic Study, *Demography*, 8(1): 37-48
- De Bruijn, B. J (2006). Fertility: Theories, Frameworks, Models, Concepts, Pp.549-569, in G. Caselli, J. Vallin & G. Wunsch (eds.), *Demography: Analysis and Synthesis: A Treatise in Population Studies*, Academic Press.
- Georgas, J. (1989). Changing Family Values in Greece: From Collectivist to Individualist, *Journal of Cross-Cultural Psychology* 20(1): 80-91.
- Greenhalgh, S. (1994). Anthropological Contributions to Fertility Theory, *Working Paper* 64, The Population Council, Research Division, New York.
- Hammel E. A., (1990). A Theory of Culture for Demography, *Population and Development Review*, 16(3): 455-485.
- Hara, T. (2008). Increasing Childlessness in Germany and Japan: Toward a Childless Society? *International Journal of Japanese Sociology*, 17(1): 42-62.
- Hayford, S. R., and S. P. Morgan, (2008). Religiosity and Fertility in the United States: The Role of Fertility Intentions, *Social Forces*, 86(3):1163-1188.
- Khalid, R., and I. H. Frieze (2004). Measuring Perceptions of Gender Roles: The IAWS for Pakistanis and US Immigrant Populations, *Sex Roles*, 51 (5-6): 293-300.
- Lesthaeghe R. and G. Moors (1996). Living Arrangements, Socio-economic Position and Values among Young Adults: A Pattern Description of France, West Germany, Belgium, and the Netherlands 1990, Pp. 163-221, in D. Coleman (ed.), *Europe's Population in the 1990s*, Oxford University Press, Oxford.
- Lesthaeghe, R. (2014). The Second Demographic Transition: A Concise Overview of its Development, *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 111(51):18112-18115.
- Lesthaeghe, R. and J. Surkyn (1988). Cultural Dynamics and Economic Theories of Fertility Change, *Population and Development Review*, 14 (1): 1-45.

- Lorimer, F. (1954). *Culture and Human Fertility*, UNESCO, New York.
- Lutz W., (1987). Culture, Religion and Fertility: A Global View, *Genus*, 43(3-4):15-35.
- Mason, K. O. (1997). Explaining Fertility Transitions, *Demography*, 34(4):443-454.
- McQuillan, K. (2004). When Does Religion Influence Fertility? *Population and Development Review* 30(1): 25-56.
- Miettinen, A. and P. Paajanen (2003). Value Orientations and Fertility Intention of Finnish Men and Women, *Yearbook of Population Research in Finland* 39, Pp. 201-226.
- Morgan, S. P. (2001). Should Fertility Intentions Inform Fertility Forecasts, Paper presented at the *Proceedings of U.S. Census Bureau Conference: Direction of Fertility in the United States*, Washington, D.C: U.S. Census Bureau.
- Neuman, S., and A. Ziderman (1986). How Does Fertility Relate to Religiosity: Survey Evidence from Israel, *Sociology and Social Research*, 70(2): 178-180.
- Paydarfar, A., and R. Moini (1995). Modernization Process and Fertility change in Pre- and post Islamic Revolution of Iran, *Population Research and Policy Review*, 14, Pp. 71-90.
- Poston, D. L. and Jo. Singelmann (1975). Socioeconomic Status, Value Orientations, and Fertility Behavior in India, *Demography*, 12(3): 417-430.
- Puur, A., Oláh, L. S., Tazi-Preve, M. I., & Dorbritz, J. (2010). Men's Childbearing Desires and Views of the Male Role in Europe at the Dawn of the 21st Century, *Demographic Research*, 19, Pp. 1883-1912.
- Retherford, R. D., N. Ogawa and S. Sakamoto (1996). Values and Fertility Change in Japan, *Population Studies*, 50(1): 5-25.
- Rindfuss, R. (1991). The Young Adult Years: Diversity, Structural Change and Fertility, *Demography* 28(4): 493-512.
- Testa, M. R. (2012). *Family Sizes in Europe: Evidence from the 2011 Eurobarometer survey*, Vienna Institute of Demography.
- Van de kaa, D. J. (2001). Postmodern Fertility Preferences: From Changing Value Orientation to New Behavior, *Population and Development Review*, 27, Pp. 290-331.
- Van de Kaa, D. J. (2002). The Idea of a Second Demographic Transition in Industrialized Countries, Paper presented at the *Sixth Welfare Policy Seminar of the National Institute of Population and Social Security*, Tokyo, Japan.
- Van de Kaa, D.J. (1997), Options and Sequences: Europeans Demographic Patterns, *Journal of the Australian Population Association*, 14(1):1-29.

- Van de Walle, E. (1982). *Multilingual Demographic Dictionary: English Section*, Belgium: International Union for the Scientific Study of Population.
- Van Peer, C. (2000). Desired and Realized Fertility in Selected FFS Countries, Paper Presented at the *FFS Flagship Conference*, Brussels, 29-31 May.
- Westoff, C.F. and J. Higgins (2009). Relationship between Men's Gender Attitudes and Fertility, *Demographic Research* 21(3): 65-74.
- Zaidi, B, and S. F. Morgan (2017). The Second Demographic Transition Theory: A Review and Appraisal, *Annual Review of Sociology*, 43, Pp. 473-492.